



درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۵ دی ۸۹
مصادف با: ۱۰ صفر ۱۴۳۱
جلسه: ۵۶

موضوع کلی: مسئله اول

موضوع جزئی: تنبیهات

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم که در دنبال مسئله اول تحریر تنبیهاتی را لازم است اشاره کنیم.

تنبیه اول در مورد مطلبی بود که مرحوم سید اشاره فرمودند و البته مرحوم امام(ره) نیز در مقدمه کتاب اجتهاد و تقلید قبل از مسئله اول ذکر کردند که مبسوطاً بیان شد که بالاخره در جایی که قرار است احتیاط شود آیا لازم است معرفت به کیفیت احتیاط از راه اجتهاد و تقلید، یا اینکه نه در خود کیفیت احتیاط و طریق احتیاط هم می‌توانیم احتیاط بکنیم؟ نتیجه بحث ما این شد که احتیاط در کیفیت احتیاط جایز است «و لا یلزم معرفة کیفیتة الإحتیاط او التقلید» فقط یک نکته از تنبیه اول باقی مانده که آن را عرض می‌کنیم.

تنمه تنبیه اول: اینکه ما می‌گوییم که احتیاط در کیفیت احتیاط جایز است این در صورتی است که امکان احتیاط در کیفیت احتیاط باشد و الا اگر در جایی امکان احتیاط نباشد و راهی نباشد که ما بتوانیم در کیفیت احتیاط، احتیاط بکنیم چاره‌ای جز رجوع به احتیاط و تقلید نیست.

برای اینکه ببینیم در یک مواردی در کیفیت احتیاط نمی‌توانیم احتیاط کنیم و باید رجوع به اجتهاد و تقلید کنیم، مثال می‌زنیم: آب قلیل در اثر ملاقات با نجس متنجس می‌شود که این را همه گفته‌اند و معلوم است، اگر یک آبی دون حد الکر بود بر اثر ملاقات با نجس منفعل و متنجس می‌شود. سؤال این است آیا از این آب قلیل متنجس برای رفع حدث یا خبث می‌توان استفاده کرد؟ این معلوم است که با ماء متنجس نه می‌توان وضو گرفت و نه می‌توان برای تطهیر استفاده کرد. حالا اگر فرض کنید این آب به لباس نماز گزار اصابت کند و نماز گزار هم تنها همین لباس را دارد و می‌خواهد نماز بخواند در اینجا اگر بخواند با این لباس نماز بخواند لباسش متنجس است و اگر بخواند بدون لباس نماز بخواند باید نماز را عریاناً بخواند، این شخص اگر بخواند احتیاط کند چه باید بکند؟ احتیاط اقتضا می‌کند یکبار نماز را عریاناً و یکبار با همین لباس متنجس نماز بخواند اما اینجا احتیاط در کیفیت احتیاط ممکن نیست و باید با اجتهاد یا تقلید معلوم شود که آیا اساساً می‌شود نماز را عریاناً خواند یا خیر؟

اگر فرض بکنید در همین جا وقت تنگ است و امکان تکرار عمل وجود ندارد، آیا در اینجا احتیاط امکان دارد یا ندارد؟ پس احتیاط ممکن نیست. به عبارت دیگر محل قابلیت احتیاط را ندارد در اینجا وقتی محل قابلیت احتیاط نداشت، دیگر

نمی‌توان گفت که احتیاط کن، در اینجا چاره‌ای جز اجتهاد و تقلید نیست. فرض ما این است که متمکن از تحصیل علم می‌باشد. یعنی علم پیدا کند کدامیک از این دو نماز را بخواند آیا عریاناً بخواند یا با ثوب متنجس که این را از راه اجتهاد یا تقلید باید معلوم بکند و احتیاط در اینجا امکان ندارد.

محصل تنبیه اول: اصل تنبیه اول این شد که در جایی که حتی می‌تواند اجتهاد و تقلید بکند ضرورتی برای اجتهاد و تقلید نسبت به کیفیت احتیاط نیست و می‌تواند در کیفیت احتیاط، احتیاط بکند ولی به شرط اینکه امکان احتیاط باشد والا چاره‌ای جز اجتهاد و تقلید نیست.

پس همه بحث در این است که: اولاً: ما معتقدیم احتیاط در کیفیت احتیاط به عنوان عدل اجتهاد و تقلید جایز است «لا یجب معرفة کیفیت الإحتیاط بالإجتهد أو التقلید» و ثانیاً: عرض می‌کنیم که این احتیاط در کیفیت احتیاط وقتی است که امکان احتیاط در کیفیت احتیاط باشد و الا اگر احتیاط ممکن نباشد در اینجا دیگر چاره‌ای نیست جز اینکه ما اجتهاداً یا تقلیداً یا اگر موضوع خارجی است با سؤال عمل را انجام دهیم و در اینجا موضوع احتیاط از بین می‌رود.

مثال‌های دیگری هم در مسئله وجود دارد مثلاً اگر با همین آب متنجس وضو بگیریم، اعضاء وضو در برخورد با این آب متنجس می‌شود، سؤال این است که آیا نماز با بدن نجس صحیح هست یا نه؟ یعنی در واقع امر دائر است بین اینکه نماز با تیمم بخوانیم در حالی که همه اعضای بدن پاک است نماز با وضو با آب متنجس در حالی که می‌دانیم که اصابت آب متنجس به اعضای بدن باعث نجاست اعضای بدن می‌شود و نجاست اعضای بدن مانع صلاة است مانند مسئله ثوب متنجس که بالاخره ستر یکی از شرایط نماز است که اگر ما نتوانیم ستر را رعایت کنیم نمی‌دانیم نماز صحیح است یا نه؟ در اینجا نیز همینطور، آیا در اینجا می‌توان احتیاط در کیفیت احتیاط کرد؟ یا باید بپرسیم که احتیاط در اینجا چه اقتضائی دارد و یا اجتهاد بکنیم. پس فرض ما در جایی است که احتیاط در کیفیت احتیاط امکان داشته باشد. حالا می‌خواهیم ببینیم آیا احتیاط در کیفیت احتیاط جائز است؟ گفتیم جائز است.

تنبیه دوم:

بحث‌هایی که تا اینجا داشتیم نتیجه آن این شد که احتیاط مطلقاً جایز است چه تمکن از امتثال تفصیلی باشد چه تمکن از امتثال تفصیلی نباشد، چه احتیاط مستلزم تکرار باشد و چه مستلزم تکرار نباشد.

مطلبی را سابقاً هم اشاره کردیم و در این جلسه با تأکید بیشتری راجع به آن بحث خواهیم کرد و آن این است که: شک داشته باشیم در فرض تمکن از امتثال تفصیلی می‌توانیم به امتثال اجمالی اکتفا کنیم یا خیر؟ بحثی که مرحوم آقای نائینی هم داشتند. ایشان یکی از اشکالاتی که به احتیاط داشتند این بود که جایی که ما می‌توانیم امتثال تفصیلی داشته باشیم نوبت به امتثال اجمالی نمی‌رسد. امتثال تفصیلی مقدم بر امتثال اجمالی رتبه می‌باشد. اما خود ایشان فرمودند اگر شک کنیم در اینکه مرتبه‌ی امتثال تفصیلی و امتثال اجمالی مساوی است یا نه، چه باید بکنیم؟ شک کردیم که اینها در عرض هم هستند یا امتثال اجمالی در طول امتثال تفصیلی می‌باشد تکلیف چیست؟ یعنی تا مادامی که می‌شود تقلید یا اجتهاد کرد حق نداریم برویم احتیاط کنیم.

در فرض شک مرحوم محقق نائینی فرمودند این مورد مجرای اصالة الإشتغال است، بعد مرحوم آقای حکیم و مرحوم آقای خوئی هم به ایشان اشکالاتی داشتند. پس موضوع بحث ما این است که چنانچه شک بکنیم آیا امتثال اجمالی و تفصیلی در یک رتبه هستند یا نه؟ مقتضای اصل چیست؟

اقوال در مسئله:

در اینجا سه نظر ذکر شده است:

نظر اول: مرحوم محقق نائینی فرموده‌اند اینجا مورد اصالة الإشتغال است، چون امر دائر است بین تعیین و تخییر و در دوران بین تعیین و تخییر مبنای ما اصالة الإشتغال است لذا ایشان همان موقع فرمودند که ما حق احتیاط نداریم. یعنی با امتثال اجمالی ذمه‌ی ما فراغ و بری نمی‌شود. از طرفی یقین به اشتغال ذمه پیدا کردیم حالا با احتیاط و امتثال اجمالی شک می‌کنیم ذمه‌ی ما بری شده یا نه، اشتغال یقینی مستدعی فراغ یقینی است. پس با احتیاط خیال مان راحت نمی‌شود و مؤمن از عقاب حاصل نمی‌شود و باید اجتهاداً یا تقلیداً آن را انجام دهیم. عمده این است که ایشان مورد را از موارد دوران بین تعیین و تخییر ذکر می‌کند و می‌گوید که مجرای اصالة الإشتغال است.

چرا این مورد از موارد دوران بین تعیین و تخییر است؟ وجه آن این است که می‌گوید ما در اینجا در واقع شک داریم آیا امتثال تفصیلی معیناً بر ما لازم است یا اینکه مخیر بین امتثال تفصیلی و امتثال اجمالی هستیم. آیا فقط باید امتثال تفصیلی بکنیم و تکلیف را اجتهاداً و تقلیداً بدانیم و عمل بکنیم؟ یا نه مخیر هستیم بین امتثال اجمالی یا امتثال تفصیلی؟ و در دوران بین تعیین و تخییر اصالة الإشتغال حکم به تعیین می‌کند، لذا باید امتثال تفصیلی بکنیم تا فراغ ذمه برای ما حاصل شود که این یقین با امتثال اجمالی حاصل نمی‌شود.^۱

نظر دوم: مرحوم آقای حکیم در واقع معتقد است که این مورد از موارد دوران بین اقل و اکثر است نه دوران بین تعیین و تخییر و به محقق نائینی هم اشکال می‌کنند. می‌گویند که در دوران بین اقل و اکثر اصل برائت جاری می‌شود. چرا اینجا دوران بین اقل و اکثر است؟ می‌فرماید شک در اینکه آیا در صورت تمکن از امتثال تفصیلی می‌توانیم به امتثال اجمالی اکتفا کنیم یا خیر، به یک امر دیگری برمی‌گردد و مرجع این شک چیز دیگری است. پس ببینید خود شک در اینکه آیا اینها در طول هم هستند یا در عرض یکدیگر؟ یا به عبارت دیگر اینکه آیا می‌شود به امتثال اجمالی اکتفا کرد یا نه؟ به این برمی‌گردد که آیا در تحقق اطاعت و امتثال، علم به امر اعتبار دارد یا ندارد؟ شما وقتی می‌خواهید امتثال تفصیلی داشته باشید باید علم به امر باشد. مثلاً ظهر جمعه اگر می‌خواهید امتثال تفصیلی بکنید باید بدانید امر به صلاة جمعه دارید حالا اگر امتثال اجمالی می‌خواهید بکنید آیا علم به امر دارید و واقعاً ظهر جمعه می‌دانید تکلیف چیست؟ یا نه فقط می‌دانید که یک تکلیفی هست ولی اینکه مکلف به چیست را نمی‌دانید، پس علم به امر نیست.

پس در واقع شک در اکتفای به امتثال اجمالی مساوی است با اینکه ما ببینیم در امتثال و اطاعت آیا علم به امر لازم است یا نه؟ یعنی ما در مورد مأوربه شک داریم علاوه بر همه خصوصیات و شرایط و اجزاء آیا یک جزء و شرط دیگری هم می-

۱. فوائد الأصول، ج ۳، ص ۷۳.

خواهد یا نمی‌خواهد؟ فرض کنید نماز در ظهر جمعه می‌دانیم که ده جزء دارد، شک داریم که این نماز ما علاوه بر این ده جزء برای تحقق اطاعت آن امر و امتثال یک جزء یازدهمی هم واجب است یا نه؟ یعنی علم به امر لازم است یا نه؟ پس ببینید شک داریم آیا علم به امر در تحقق اطاعت و امتثال مدخلیت دارد یا ندارد؟ یعنی در واقع این دوران بین اقل و اکثر می‌باشد چون شک در اعتبار یک امر زائد داریم. شرایط و خصوصیات تکلیف برای ما یقینی می‌باشد، نسبت به اعتبار یک امر زائدی به نام علم به امر تردید داریم. پس مورد از موارد دوران بین اقل و اکثر می‌باشد و در دوران بین اقل و اکثر اصل برائت نسبت به اکثر جاری می‌شود. یعنی مقتضای اصل در اینجا این است آن امر زائد و علم به امر در تحقق اطاعت و امتثال مدخلیت ندارد.

معنای این سخن این است که می‌توان به امتثال اجمالی اکتفا کرد و امتثال تفصیلی لازم نیست. این نظر مرحوم آقای حکیم بود.

بحث جلسه آینده: نظر سوم: نظر مرحوم آقای خوئی می‌باشد که مجموعاً ما این سه نظر را بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»